

تاریخچه باغ نگارستان

سرزمین وسیعی که امروز در ناحیه شمال شرقی طهران واقع و از طرف شمال بخیا از علمیه و از مشرق بخیا بان نگارستان و از مغرب بخیا بان سرسره و از جنوب بمیدان بهارستان محدود می شود در نیمه اول دوران حکومت قاجاریه یکی از بزرگترین و مشهورترین باغهای شهر طهران بوده و مطالعه تاریخچه مختصر آن بواسطه حدوث بسیاری از وقایع مهم تاریخی قرن ۱۳ هجری در آن مخصوصاً قتل وزیر بزرگ کردان و آخرین منشی بلوغ و زبردست زبان فارسی میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی فرهانی که در این باغ بدست عمال حکومت قاجاریه صورت گرفته خالی از اهمیت و فایده نیست .

در موقعیکه به تجسس مآخذ و منابع این موضوع و جمع اقوال صحیحی در موضوع باغ نگارستان مشغول بودم خوشبختانه بکتابی برخوردارم که شرح مسافرت اولین سفیر رسمی دولت امریکا در ۱۲۸۳ هجری بایران و حاوی بسیاری اطلاعات صحیح و دقیق بیطرفانه درباره ایران آنعهد بود. اینک نیاس احترام مؤلف محترم آن کتاب عین عبارات و مشاهدات اورادر باره باغ نگارستان می نویسد و بد برف بعضی اشتباهات کوچک آن کتاب در اینموضوع و تکمیل آن میبردازد :

(یکی از عمارات مهم و قابل تماشای طهران عمارت نگارستان است . این عمارت را آقا محمد خان بنا کرده و فتحعلیشاه آنرا توسعه داد . در آنوقت این باغ تقریباً یک میل ازدیوار های شهر قدیم مسافت داشته و حال آنکه در اینوقت (۱۲۸۷) شهر بقدری بزرگ شده که باغ نگارستان در میان آن واقع شده است . رو بروی در باغ میدان بزرگی است که در روز عید قربان شتری را زینت داده بآن میدان میبرند و قربانی میکنند . وقتی که ماداخل این باغ شدیم باغ بزرگی مشاهده کردیم که با سه جر که درخت چنار که دور آن عشقه پیچیده مزین بود و هیچ بنائی دیده نمی شد مگر منزل یک نفر باغبان ، ولی از میان دالان تنگی عبور کرده دفعه ریدیم به یارکی که از دیوار های بلند محصور است و خیابانهای خوب که میان آن ریگ ریخته شده وجویهای زیاد که از میان راه تنگی عبور می کند . تقریباً منظره این باغ وضع آرام و ساکتی دارد و جز صدای گنجشک و آواز خوش بلبل صدائی شنیده نمی شود . خیابانهای باغ منتهی می شود بیک حوض مرمر و یک عمارت کوچک و قشنگی که کعبه بریهای بسیار خوبی در آن شده داخل عمارت اطافی بطور صلیب و سقفی طاق مانند دارد . در تمام سطح این عمارت نقشهای بسیار قشنگ کعبه بری نموده و برنگهای سبز و سرخ و طلائی ملون ساخته اند و نیز ستونهایی که بمرکز طاق زده شده وبهین الوان نقاشی شده . این تالار سه شاه نشین دارد که در هر یک از آنها نیمکت های بسیار ممتاز تا نزدیک پنجره قرار داده اند پنجره های این تالار بطوری است که می توان بلند کرد آنوقت تمام اطراف طاق برای استنشاق هوا و تماشا باز می شود . پنجره های ایرانی مانند پنجره های قدیم کتیک بنقشهای عجیب و غریب ساخته شده و براز شبشه های الوان است . قالیهای بسیار گرانبهادر

اطاقها یهن کرده اند خلاصه آنکه در بنای آن بقدری تناسب و شکوه بکار برده اند که میتوان گفت این عمارت از هر حیث موافق سلیقه شاعرانه و صنعتی ساخته شده است. از این اطاق ما دوباره در داخل باغ شدیم و تفرج خود را امتداد داده بیک حوض عریض و عمارت دیگر رسیدیم که در قدیم شاه در آنجا مسکن داشت. این بنا تالار کوچکی دارد که از دو طرف پنج‌ره آن بازمی شود و بواسطه چادر از اشعه آفتاب محفوظ است. در هر طرف اطاق تصاویر بزرگی است بقدر طبیعی که صورت پسر های فتحعلیشاه است. از این اطاق داخل حیاط هشتی مانند دیگری شدیم که در آن ابنیه عمده بود در وسط این حیاط حوض بزرگی بطول ۸۰ پا واقع شده از آنجا خیابان دیگری از میان باغ باندرون کشیده شده که در قدیم بعضی از زوجات کثیر العدد فتحعلیشاه در آنجا مسکن داشتند و تالار پادشاه که در مرتبه تجتانی ساخته شده نمونه بسیار با تماشا و معرف صنعت و سلیقه ایرانی است. دهلیز اطاق سقف پستی دارد که بالوان مختلف و رنگ طلائی مزین است و از تالار بوسیله ستونهای سبک چوبی جدا می شود. وضع سر این ستونها بسیار قشنگ و از کثرت شباهت ستونهای عالی تخت جمشید را بیاد می آورد. سقف تالار نسبت ببزرگی اطاق خیلی بلند است و هر قسمت این اطاق برنگ سبز و کالی و طلائی نقاشی شده و بر روی دیوارها صور نقاشی از شکار بر روی کچ کشیده شده. این صورتها اگر چه با سایر تزئینات اطاق تناسب مطبوعی دارد ولی چندان تعریفی ندارد و نقاشیهای خوبی نیست گویا از روی پرده های فرنگی تقلید و کشیده شده. خلاصه اینکه این نقشا بهیچ وجه بر زینت تالار و قشنگی آن نمی افزاید و شخص از تماشای آن فوراً صرف نظر کرده بتمشای نقوش تاریخی با شکوه که از هر طرف نصف دیوار را فرا گرفته است می بردازد. از آنجمله صورت گروهی بزرگی طبیعی است. فتحعلیشاه بر روی تخت خود نشسته و سوار بر اسب و جمع اندو سفرای فرانسه و انگلیس و روس و اعیان و ارکان سلطنت دور ایستاده اند این تصاویر شاید خیلی شبیه به صاحبان اصلی آنها باشد و چون البسه درباری ۸۰ سال قبل که عبارت از ابریشم و شالهای کمر و جبه های شال کشمیری و نشانها و البسه نظامی با شکوه بطور صحت نقاشی شده لذا این صورت اهمیت تاریخی بزرگی دارد. در این عمارت است که قائم مقام بزرگ صدر اعظم محمد شاه قبل از اجل طبیعی فوت شد. محمد شاه که در سلسله قاجاریه پادشاهی سلیم و مانند سایر سلاطین مشرقی بی رحم نبوده است نسبت بصدر اعظم خود سوء ظن پیدا کرد. قائم مقام نه تنها شاعر قابلی شعرده می شد بلکه وزیر مدبر با کفایتی بود و در اداره امور دولتی مداخله تامی مینمود این همه محاسن اسباب حسد و مخالفت محمد شاه شد، یکروز خوش بعد از ظهر وقتی که آن وزیر در باغ نگارستان نشسته بود و بطور آرامی جای می خورد میر غضب آمده باو حکم شاه را اظهار کرد و گفت که بیش از پنج دقیقه دیگر زنده نخواهد بود. وزیر با کمال آرامی حکم شاه را شنید و در همانجا دو مصرع شعر که در تمام ایران مشهور و از خود اوست انشاء کرد و آن اینست (روزگار است این که که عزت دارد که خوار دارد - چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد) بعد از پنج دقیقه لحافی بدهن او گذاشتند و او را خفه کردند اما شخص دیگری که از اهل آن زمان است بمن گفت که او را با طناب کشتند. قبل از بیرون آمدن از اندرون مارا بتمشای حمام بردند خانهای اندرون شاه باین حمام می رفتند. پس از عبور از چند پله رسیدیم بصحن حمامی که گرداگرد آن ستونهای متعدد بود و در وسط ستونها حوض مدوری قرار داشت - رو بروی حمام سرسره بسیار شیبی از مرمر مصقول ساخته اند. فتحعلیشاه آنرا بکنوع خوشی که عیشهای باغ آرمدیدا «Armide» می آورد بنا کرده بود. زنها پادشاه از طبقه فوقانی با لباسهای بسیار مختصری از بالای سر سره بیائین می سریدند و

بطور چابکی بیغل یا دشاه که در بائین منتظر آنها بود میآفتادند. حمام باطاق خارجی دیگری متصل است که از مرمر و کاشیهای منقوش مزین است اکنون صدای قهقهه خنده و آواز لبه‌های یاقوت رنگ در اینجا مسموع نیست. در روزهای دراز تابستان بلبل بر درخت گل چه‌چه میزند و کیوتر های باهو در بالای درخت چنار میخوانند و آب از جویهای مرمر یائین میریزد اما احدی در آنجا سکنی ندارد جز باغبانی متکبر و قراولی تنبل .

مؤلف محترم را در توصیف باغ نگارستان دو اشتباه کوچک دست داده یکی آنکه بنای این باغ را باغا محمد خان مؤسس دولت قاجاریه نسبت داده و این امر حقیقت تاریخی ندارد چه آقا محمد خان گذشته از خست طبع آفتدرها فراغت بال نیافته که بینای باغی در خارج طهران بیردازد زیرا تا سال ۱۲۰۹ هجری گرفتار جنگ با لطف علیخان آخرین پادشاه رشید زند بود و پس از ختم غائله او گرفتار لشکر کشی بگرجستان شده در سال ۱۲۱۰ و ۱۲۱۱ بکار فتح خراسان پرداخته و دوار در اواخر ۱۲۱۱ بگرجستان رفته و در ذی القعدة همان سال در همانجا بقتل رسیده و فتحعلیشاه هم سنوات اولیه سلطنت خود را بدفع یاعیان و هواخواهان تاج و تخت گذرانده و گویا حق آنست که قول جمیز موریه «James Morier» قونسول انگلیس که خود شروع بنای آنرا دیده و در سفرنامه خود ذکر کرده و سال شروع آنرا در ۱۲۲۲ هجری می‌داند قول کرزن «Curzon» معروف بنقل از هو تو مشنیدر «H. Schindler» که قریب چهل سال قبل از در ایران بسر میرده و بنای آنرا در همین تاریخ و منسوب بفتحعلیشاه میدانند اصح اقوال باشد .

دیگر آنکه محل تصاویر عمارت دلگشا یا عمارت حوضخانه را که مشهورترین ابنیه نگارستان بشمار میرفته با تصاویر تالار قلمدان که در اقصی شمال باغ و در جوار حمام بوده با هم اشتباه نموده و تصاویر هر یک از این دو اطاق را اشتباهها بدیگری نسبت داده و در اینمورد هم گویا صحیح آنست که عمارت دلگشا دارای تالار سلام بوده و در دوطرف آن تصاویر زیبائی بر روی کعبه داشته. در یکطرف آن تصویر فتحعلیشاه در حالت جلوس بر روی تخت و پهلوئی او تصویر میرزا ابوالحسن خان ایلچی وزیر خارجه و پهلوئی او صورت منوچهر خان معتمدالدوله گرجی و در طرف دیگر آن تصویر سرجان ملکم سفیر انگلیس و سفرای روس و عثمانی قرار داشت و در عمارت تالار قلمدان فتحعلیشاه در وسط نشسته و تمام تصاویر دست چپ و راست از آن پسران وی و گویا مانند تالار محکمه جنائی تصاویری از زندهای خواننده و نوازنده نیز داشته است و بعدها مظفرالدین شاه در ساختن تصاویر وزارت امور خارجه تقلید از همین نقاشیهای نگارستان نموده است. چنانکه ذکر شد بواسطه شدت گرما و نا سالمی هوای طهران در سال ۱۲۲۲ هجری فتحعلیشاه ب فکر تاسیس باغ نگارستان در خارج شهر طهران افتاد و پس از اتمام آن جا را مسکن دائمی خویش قرار داده و به آن علاقه بسیار پیدا کرد و موقعیکه ولات عهد چه در عهد او و چه در عهد پسرش از آذربایجان بطهران می‌آمده اند توقف گاه ایشان نیز در همین باغ بوده است. پس از مرگ عباس میرزا در سال ۱۲۴۹ ورود پسرش محمد میرزا بطهران و انتخاب بولیعه‌دی جشن با شکوهی شاهانه بافتخار ولیعهد جدید در باغ نگارستان گرفته شد و پس از مرگ فتحعلی شاه در ۱۲۵۰ چون شاهزاده علیمیرزا ظل السلطان با لقب عادلشاه چند ماه قبل از ورود محمدشاه بطهران در این شهر سلطنت نمود پس از ورود محمد شاه بیباغ نگارستان در خارج شهر بتدبیر قائم مقام عادلشاه که بزندهای حرم سلطنتی پناهنده شده بواسطت اندرون شاه در همین باغ بخشیده شده است - مشهورترین واقعه تاریخی باغ نگارستان قتل وزیر مشهور میرزا ابوالقاسم

قائم مقام ثانی فرهنگی است که بامر محمد شاه صورت گرفته است. از قبل از ولیعهد شدن محمد شاه بواسطه عدم اطاعت او از اوامر قائم مقام بین ایندو نفر کدورت و تقار پدید آمد و عباس میرزا در موقع مرگ چون بعقل و کار دانی قائم مقام اعتماد فوق العاده داشت و فرزند خود محمد میرزا را برای ولیعهد شدن و سلطنت رسیدن بدو سپرد قائم مقام سابقه کدورت و ایرا گوشزد نموده از قبول آن امر امتناع نمود و بامر عباس میرزا محمد میرزا در صحن حضرت ثامن الائمه در مشهد قسم یاد نمود که باو خیانت ننماید. و سوابق کینه ورزی را فراموش کند. پس از جد و جهد های بسیار قائم مقام در تثبیت مقام ولایت عهدی محمد میرزا و دفع مخالفین بی اندازه او که اگر عقل و کار دانی و سیاستمداری قائم مقام یشیبیان مقام او نبود بلاشک در بدست آوردن مقام سلطنت تهی دست مانده بود محمد شاه بیاداش این مهم خطیر باعث قطع رشته حیات وی گردید -

در موقعیکه محمد شاه در نگارستان بسر میبرد قائم مقام بتسلیم سایر فرزندان بی شمار فتحعلیشاه و جلب اطاعت ایشان از پادشاه جدید میپرداخت در باره ۵۶ عموی ارشد پادشاه و فرزندان ایشان که بالغ بر ۲۹۵ نفر بودند از محمد شاه کسب تکلیف نمود و او مختصر جوانی در سه کلمه بدین مضمون (دو - کور - گور) بوی داد و قائم مقام با مهارت و کاردانی غریبی دفع این غائله عظیم را نموده است .

بعد از قلع و قمع مخالفین سلطنت قائم مقام بواسطه سستی اراده و ضعف نفس محمد شاه قدرت فوق العاده در کارها پیدا کرد بطوریکه بهیچ وجه خود را کمتر از پادشاه نمیدانست و چون شاه را نالایق دید بمحدود کردن اختیارات مقام او پرداخت و کلیه افراد خاندان خود را بر سر مشاغل عمده مملکتی گذاشت لذا ساعیان او را متهم کردند مخصوصاً حاج میرزا آقاسی معلم محمد شاه که بر مزاج پادشاه قدرت فوق العاده یافته و از او وعده تفویض مقام صدارت عظمی را برای خود گرفته بود دائماً برای قائم مقام کارشکنی میکرد و چون زنده ماندن او را مانع مقصود خود میدید با جمعی از دشمنان درباری قائم مقام همراه شد و اینجماعت هر روز شاه را از زندن ماندن قائم مقام میترساندند تا بالاخره دستور قتل آنوزیر دانشمند را از محمد شاه بدست آوردند. آخر الامر در ۲۴ صفر ۱۲۵۱ قائم مقام از باغ لاله زار که منزل مسکونی او بود برای ملاقات شه نگارستان احضار شد ، دره موقع خروج از منزل مشهدی قربان دربان منزل قائم مقام پد میرزا تقیخان امیر کبیر این رفتن صدر اعظم را خطرناک و بفال بدگرفت و مانع رفتن او گردید ولی قائم مقام مجبوراً بیباغ نگارستان آمد و پرسید شاه کجاست گفتند در بالاخانه سر در است قائم مقام آنجا رفته شاه را ندید گفتند باین رفته صبر کنید تا شما را احضار کند پس از نماز جوایبی محل توقف پادشاه شد در اینموقع آقا رحیم والاهوردیخان که حکم قتل او را در صورت اصرار در رفتن بمنزل در دست داشتند باو گفتند باو گفتند باشید تا شما را نزد شاه ببریم چون تملک کردند قائم مقام له قدری خسته بود خوابید ولی بعد از خواب فوراً دربارت که در این باغ محبوس است .

بالاخره پس از چند روز حبس در شب سلخ صفر بعنوان اینکه شاه شما را خواسته او را از بالاخانه عمارت دلگشا بزیر آوردند و در دالان عمارت حوضخانه که تاریک بود اسمعیل خان تراجه داعی میرغضب با چند نفر دیگر بر سر او ریختند و او را بزمین انداخته و دستمالی در حلقش فرو بردند و چند زخم کارد باوزدند تا جان سپرد. درباره طرز کشتن قائم مقام که باطناب خفه شده و یا از کرسنگی مرده و یا دستمالی بحلقش کرده و یا سمومش نموده اند اختلاف آراء بسیار است

و مورخین اینعهد از ترس جان خود اصلا اشاره باینموضوع ننموده و کلیه مسافرین اروپائی هم از اقوال مردم یا از افواه کسانی که ایشانهم از فراشان درباری اخباری شنیده اند چیزی ایراد کرده و گرچه رأی فوق عقیده اکثر معرین بی غرض است و اتفاقا در ضمن يك نسخه خطی یادداشتهای وقایع یکی از دوستان قائم مقام هم دیده شده ولی تحقیق صحت و سقم عموماً این آراء را باید از مورخین بی غرض و بویسندگان و محققین بزرگی که بعدها در اینموضوع اظهار نظر خواهند نمود منتظر بود .

سید آقا بزرگ ممتولی باشی حضرت عبدالعظیم بازوان قائم مقام را هنگام دفن خونین یافته و هم او گوید « بدون غسل و کفن فراشان شاهي نعلش او را در گلیه پیچیده و بر قاغری بسته جنب مقبره میرزا ابوالفتوح رازی دفن کردند » و بدین وضع فجیع بمر یکی از بزرگترین وزرا و حکما و منشیان ایران که حق بزرگی بکردن این مملکت دارد خانمه بخشیدند .

میرزا ابوالقاسم قائم مقام یکی از بزرگترین وزرا و عمال و کتاب ایرانی است که در عهد خود در تدبیر و کفایت و کاردانی بی نظیر بوده و مانند جمیع وزرای بزرگ ایران بزمید فضل و دانش و شعر و هنر پروری معروفست . مخصوصاً در نثر نویسی پیرو و مقلد خداوند کلام فارسی افصح المنکلمین سعدی شیرازی است و در اینقسمت تنها شخص اوست که توانسته است سبکی فصیح و متین در نثر خود ایجاد کند و خویشتن را بزرگترین شاگرد و مقلد در پیروی اسلوب نثر نویسی و سبک شیخ اجل سعدی شیرازی معرفی نماید . میرزا ابوالقاسم قائم مقام یکی از بزرگترین پیشقدمان ترقی و تجدد ایرانست مخصوصاً ایامی را که در خدمت عباسمیرزا بسر میرده باعث رونق کلی کار های او و محرک عموم اقدامات تجدد خواهانه شخص نایب السلطنه بوده و هفته ای یکبار رابرای مجالست با ادبا و فضلا و عاوما قرار داده و با ایشان مباحثه و مناظره علمی و ادبی مینموده است .

میرزا ابوالقاسم قائم در صنعت انشاء رسایل نیز ابتکار و اعجاز خاصی نشان داده و چون دریافت است که از ابتدای ظهور سلسله صفویه نثر فارسی بکلی سیر قهقرائی بسته و مخصوصاً که بدست اشخاصی امثال مؤلف دره نادره و سایر معلق نویسان قریب العهد نزدیک است که بکلی راه نیستی پیش گیرد نه تنها باین اسلوب خشک و بیروح پشت پا زده و از استعمال لغات و کلمات مهجور خود داری نموده بلکه بکلی رذش نثر نویسی را باسلوب ایام سعدی و شیرین سخنان این عهد برگرداند، و بخلاف همه متقدمین و معاصرین خود اسلوب سهل و ساده نویسی را اختیار کرده و چنان بسرعت توجه و اقبال عمومی یافته که از همان ایام حیاتش بقول استاد اجل سعدی که (قصب الجیب حدیثش چون شکر میخورند و رقه منشآتش چون کاغذ زمیرند) رسائل شیرین او دست بدست میگشته و مردم صاحبیل با ذوق چون تجمه گرانهای منشآتش رامیگرفتند در سینه خاطر محفوظ میداشتند .

لرد کروزن در کتاب نفیسی که در باره ایران نوشته گوید در تاریخ نادر است که سه پادشاه بی در پی بواسطه احساسات حسادت آمیز سه نفر وزیری که باعث بساطت رساندن آنها بوده و امور مهم مملکتی بدست آنها میگرددیده بقتل رسانند (فتحعاشاه حاج ابراهیم اعتمادالدوله

۱ - این شخص شیخ ابوالفتوح جمال الدین حسین بن علی بن حسین خزاعی نیشابوری معروف برازی مفسر معروفست که از شاگردان سید مرتضی و سید رضی و شیخ ابوجعفر طوسی بوده و او مؤلف تفسیر معروف « روض الجنان و روح الجنان » است بفارسی که بتفسیر ابوالفتوح معروف است .

و محمد شاه قائم مقام و ناصرالدین شاه امیر کبیر را بقتل آوردند).

بعد از قتل قائم مقام حاج میرزا آقاسی حصارهای دور باغ نگارستان کشید که بحصار دوم معروفست. حصار اول همان دیوارهای چهار طرف دانش سرای عالی است و حصار دوم از مشرق بخیبان نگارستان و از مغرب بخیبان صهی عایشاه و از طرف شمال و جنوب بدو خیبان شمالی و جنوبی فعلی میرسید و در بین ایندو حصار که چهار خیبان مذکور در فوق قرار دارد همیشه مقدار زیادی قشون برای حفاظت عمارت مسکونی پادشاه متوقف بود و این فاصله بین دو حصار همان خیبانهای چهار طرف دانش سرای عالی است.

در سلطنت ناصرالدین شاه یعنی تا ۱۲۸۴ باغ نگارستان با اهمیت سابق خود باقی و بیلاق شخص شاه محسوب میشد و چون ازین سال بعد ناصرالدین شاه بتقلید نقشه ای که بودن "Boudin" مهندس نظامی فرانسه برای شهر پاریس قبل از جنگ ۱۸۷۰ کشیده بود بر وسعت طهران افزود نگارستان در داخل حصار جدید قرار گرفت و چون بعد ها بیانات اطراف طهران و شمیران ساخته شد گرچه باز شاه اوایل بیلاقات خود را در این باغ سرمیبرد ولی از این تاریخ بعد نگارستان برای بعضی از ادارات دولتی تخصیص داده شد.

در سال ۱۲۹۶ قهری ناصرالدین شاه بعد از فتنه شیخ عبدالله مدت ۱۶ ماه مظفرالدین میرزا ولیعهد را مغضوب و در این باغ محبوس نمود.

در سال ۱۳۰۴ قهری باغ نگارستان مدت یکسال محل وزارت عدلیه دوره استبدادی ناصرالدین شاه بوده است. بعد از مسافرتهای مظفرالدین شاه با اروپا و دیدن مؤسسات علمی و فلاحتی ممالک روسیه و آلمان و اطریش و فرانسه مخصوصا پس از دیدن مدرسه فلاحت امپراطوری مسکو بخيال تاسیس مدرسه فلاحتی در طهران افتاد و برای این منظور یکنفر بازرگی را بنام دایر برای ریاست آن استخدام نمود و کمی بعد اولین مدرسه فلاحت ایران تحت ریاست دایر در محل عمارت فعلی دانش سرای عالی اختصاص یافت و کمی بعد مدرسه صنایع مستظرفه تحت ریاست آقای میرزا محمد خان غفاری کمال الملک در قسمت عمارات جنوبی افتتاح یافت.

ازین بعد ابنیه و عمارات باغ نگارستان واسطه بی میلانیهای سلاطین آخری قاجاریه و شورشها و انقلابات مشروطه روز بروز ویران تر و خراب تر میگردد بطوریکه در سال ۱۳۰۴ شمسی که نگارنده آن را دیده بود بی شبهات بقاعه خرابهای در وسط صحرای لوت با وادی بی آب و علفی نبوده است. در سال ۱۳۰۷ شمسی بوضع اسفناک ابنیه نگارستان خانه بخشیده شد و از طرف وزارت معارف سه عمارت مجال در همان محل بنا گردید و یکی از آنها تا سال ۱۳۱۱ محل دبیرستان علمیه بود تا آنکه در خرداد ۱۳۱۱ رسماً ابنیه مذکور بدانش سرای عالی اختصاص یافت.

سال قبل نگارنده هنگام فراغت تحصیل از این موسسه مهم تربیتی مخصوصا ابامی که اولین سالنامه دانش سرای عالی در حال انتشار بود باشا زده حضرت استادی آقای اقبال آشتیانی این مقاله ناچیز را که از هر جهت متناسب با انتشار آن سالنامه بود فراهم آورد ولی قات صفحات سالنامه اجازه طبع کامل آن را نداد. تصادفاً در این اواخر روری متوجه گردید که ۴ تیرماه ۱۳۱۴ معادف اصدمین سال شمسی قتل یکی از وجودهای فوق العاده تاریخ اخیر ایران میرزا ابوالقاسم قائم مقام است. لذا در صدد آمدن این سطور بی مقدار را انتشار دهد و بار دیگر شیفتگان عالم ادب و فصاحت و بلاغت را از زندگانی و نام نیک و مقام ارجمند او در عالم ادبیات و زبان فارسی مسرور سازد.

فضل الله حقیق

لیسانسیه دانشسرای عالی